

یادداشت کارگری هفته



رفتگر
تنها جارو به ذهن خیابان نمی‌کشد
رفتگر
با تمام خستگی
جارو بر استخوان نمی‌کوبد
رفتگر
دستمال‌های خیس یک محله
ته مانده‌ی گریه‌های یک خیابان
حسرت لیسیدن بستنی بچه‌ها
خواب تلخ کارتن خواب‌ها
جیب‌های خالی دستفروش‌ها را جمع می‌کند
و خاور خاور بدبختی بار می‌زند
اندوه سنگین یک شب را به خانه می‌برد
اما دستی نیست
جارویی
تا اندوه خودش را جارو کند
تنهایی، همیشه انسان را زودتر پیر می‌کند

«فخرالدین احمدی سوادکوهی»

کارگران شهرداری‌ها، اسیر پیمانکاران غارتگر!

امیر جواهری لنگرودی



سالم سازان زندگی و بهداشت روح و روان جامعه و مردم در درون کشورمان، کوچه به کوچه، محله به محله، خیابان به خیابان، صبح هنگام که همه ساکنان شهرها در خوابند، بی صدا سر می‌رسند تا با سالم نگهداشتن و به سازی محیط زیست جامعه، به زندگی حیاتی دیگر باره بخشند.

اینان بر سر کارند تا شادیِ پاکی را به درون محله‌های شهرها آورند. رفتگرانِ جان آفرین را می‌گویم که به دروغ «پاکبان» نام‌شان نهاده‌اند که برای همیشه زندگی‌شان را به دست پیمانکاران سپارند تا هیچگاه نام آنان نبرند و حیات و امنیت شغلی‌شان را در خطر اندازند.

روز شمار کارگری هفته را که ورق می‌زنم از اندوه تنهایی این همه نیروی انسانی شهرداری‌ها که در دوران جان‌گیر گستردگی اپیدمی کرونایی همچنان بر سر کارند، ولی هیچ فریاد رسی را در برابر خود نمی‌بینند، دل آدمی به درد می‌آید! چرا که همین بی حقوق مانده‌های «پاکبان» خیابان‌ها را نظافت می‌کنند، پارک‌ها را آب می‌دهند، چمن‌های اضافی را می‌زنند و زیرپای مردم را جارو می‌کنند و در پایان کار با جیب‌ها و دست‌های خالی به خانه‌هایشان برمی‌گردند!

تکانه‌های سریالی اعتصابات و اعتراضات کارگران شهرداری‌ها از کوت عبدالله در حاشیه‌ی شهرکارون در اهواز، اعتراضات کارگران شهرداری سوسنگرد، نگرانی اعتراض آمیز کارگران شهرداری زنجان و سرانجام آرتیست بازی مأموران شهرداری که تحت عنوان پلیس ساختمان در استخدام یک شرکت پیمانکار شهرداری در محمد شهر کرج به بهانه‌ی در برون سپاری نظارت بر ساخت و سازها، به خدمت شهرداری درآمده بودند و به ضرب و شتم کارگر ساختمانی پرداختند که در سطح شبکه‌های مجازی باز خورد وسیع داشته است، اینها همه موج اعتراضات بهم پیوسته‌ای است که بر بستر بحران دستمزدهای کارگران شهرداری در رویارویی با شرکت‌های پیمانی، حاصل آمده است.

این بحران نتیجه‌ی خصوصی‌سازی و حضور شرکت‌های واسطه‌ای نیروی کار و پیمانکاری شهرداری‌هاست که دهن باز کرده و بحرانی بالنسبه سراسری و کشدار برای کارگران ساخته است. به‌طوری که کارگران زحمتکش شهرداری‌ها یکی بعد از دیگری مجبور به اعتراض می‌گردند. حدت این اعتراضات سریالی به نوعی در سلسله گزارشات خبرگزاری حکومتی کارایران، ایلنا گزارش شده است: «دستمزد معوقه فصل مشترک مشکلات نیروهای پیمانکاری شهری است. شهرداری‌ها در نظارت و پایش عملکرد پیمانکاران ضعیف عمل می‌کنند. پیمانکار موظف است که تمامی مقررات این قانون را در مورد کارگران خود اعمال نماید. طبق تبصره همین ماده ۱۳ مطالبات کارگر جزو دیون ممتاز بوده و کارفرمایان موظف می‌باشند بدهی پیمانکاران به کارگران را برابر رأی مراجع قانونی از محل مطالبات پیمانکار، من جمله ضمانت حسن انجام کار، پرداخت نمایند. یعنی حتی اگر پیمانکار به هر دلیل نتواند حقوق کارگران را بدهد وظیفه کارفرما است که حقوق کارگران را پرداخت کند.»

در روز شمار کارگری ماه‌ها و هفته‌های گذشته نیز ما شاهد اعتراضات گسترده‌ی کارگران شهرداری‌ها در سطح شهرهای گوناگون کشور در برابر پیمانکاران بودیم که بدلیل عدم دریافت بموقع حقوق خود، تجمعات اعتراضی برپا داشتند. کارگران شهرداری می‌گویند: با باز شدن پای پیمانکاران شهری، ما کارگران خدماتی دچار مشکل شدیم. می‌گوییم چرا حقوقمان کم شده؛ جواب می‌دهند «بیشتر کار کنید؛ بیشتر بگیرید!».

در دل این تجمعات جدا از موضوع حقوق‌های معوقه، مشکلات بیمه‌ای و معیشتی کارگران مهم‌ترین دلیل این تجمعات اعتراضی بود که کمتر مقام شهرداری یا شورای شهر پاسخگوی آنها شد. با این وجود این سطح مشکلات حتی باعث نشد که شهرداری‌های کل کشور به عنوان کارفرما تصمیمی مبنی بر لغو پیمان با پیمانکاران بگیرند. این درحالیست که شرایط عمومی پیمان، اختیاراتی را هم به کارفرمایان (شهرداری‌ها) داده است. در صورت تکرار تأخیر در پرداخت دستمزد کارگران به مدت بیش از یک ماه - درحالی که کارگران شهرداری سوسنگرد در شهریور ماه برای عدم دریافت هفت (۷) ماه حقوق و حق بیمه دست به تجمع مقابل فرمانداری شهرستان دشت آزادگان در استان خوزستان زدند - کارفرما می‌تواند پیمان را فسخ کند.

اولین پرسش اساسی این است: کدام یک از شهرداری‌ها از این اختیار قانونی خود استفاده کرده‌اند؟ وقتی چند بار شهرداری‌ها، قراردادهای پیمانکاران را به دلیل عدم پرداخت حقوق کارگران فسخ کنند، دیگر پیمانکاران ماسه را کیسه می‌کنند. اینجاست که می‌شود معنای ممتاز بودن تبصره‌ی ماده‌ی ۱۳ حقوق کار را فهمید. شهرداری‌ها باید از این حق فسخ استفاده کنند، اما با توجیهاتی مثل اینکه کار می‌خواهد و ضرر می‌دهیم و خدمات عمومی را نمی‌توان لنگ گذاشت و شهر را بدون رفتگر به امان خدا رها نمود، همه‌ی دشواری زخمی کردن زندگی کارگران را از سر خود باز می‌کنند!

دیگر پرسش اصلی اینجاست: تکلیف شهرداری‌ها در برخورد با پیمانکاران متخلف یا آن گروه که در انجام تعهدات خود دچار مشکل می‌شوند، چیست؟ بر ما روشن است، در این وضعیت دلالتی نیروی انسانی که تحت عنوان برون‌سپاری در شهرداری‌ها از مدت‌ها پیش کلید خورده و فراگیر شده است، به گونه‌ای که بسیاری از کارگران شهرداری‌ها به جای قرارداد مستقیم با شهرداری با پیمانکاران طرف قرارداد هستند، پیمانکارانی از جنس سپاهی، آفازده‌ها و ژن‌های برتر، در هیاکل پیمانکاران و طرف قرارداد شهرداری‌ها خود نمایی می‌کنند. درحالی‌که این شیوه‌ی عمدتاً برای کارگران به اصطلاح شرکتی و برای پروژه‌های موقت و مقطعی و پروژه‌ی پیش‌بینی شده بود، نه برای کارگر شهرداری که هر روز و مستمراً سطح شهرها، خیابان‌ها را نظافت می‌کند یا پارک‌ها را آب می‌دهد و زیرپای مردم را جارو می‌کنند و مشغول کارند. در مقابل کارگرانی که بی حقوق می‌شوند، پیمانکاران و شرکت‌های تأمین نیروی انسانی، تماماً هزینه‌های تولید اعم از سرمایه‌ی اولیه و ابزارآلات تولید و هزینه‌ی مواد خام اولیه را صرف امور خود می‌کنند و به جیب می‌زنند. اما همین پیمانکاران نقش پررنگی در گردش مالی شهرداری‌ها دارند تا جایی که نفوذ سیاسی زیادی پیدا می‌کنند. واسطه‌های به‌کارگرفته شده، پیمانکاران پنهان و آشکار را - که بخشاً در درون شهر هم زندگی نمی‌کنند و کمتر رد پای از خود برای کارگران معترض شهرداری‌ها به جا می‌گذارند - در روابط پیچیده و مافیایی پیمانکاران وابسته به نهادهای قدرت با شهرداری‌ها می‌توان یافت. تا جایی که برخی از آن‌ها حتی توان جابه‌جایی مدیران شهری را دارند و این مدیران از آن‌ها حساب می‌برند؛ در نتیجه امکان نظارت بر آن‌ها وجود ندارد، چه برسد به مؤاخذه یا عزل چنین پیمانکارانی. همین جاست که اصل مهم سیاست‌های تعدیل ساختاری یعنی ارزان‌سازی نیروی کار را می‌توان شناخت. یعنی سیاست شقه شقه کردن ولایه لایه نمودن نیروی کار، چرا که به این معنا تعداد نیروی کار کمتری با کارفرما در ارتباط کاری مستقیم قرار می‌گیرند و رابطه‌ی کارفرما با خیل کارگزارانش به صورت غیرمستقیم توسط همین واسطه‌ها تبیین می‌شود. چنانچه در یک نگاه عمومی، سفره‌هایی که در شهرداری‌ها برای پیمانکاران پهن می‌شود را با سفره‌های خالی کارگران مقایسه کنید، به راحتی معنای کلیدی این برون‌سپاری‌ها فهمیده می‌شود!

در چنین شرایطی کارگران معترض شهرداری می‌گویند: «چند ماهی است که در این شرایط بد اقتصادی، گرانی مایحتاج روزانه، و فشاربانک‌ها به ضامن‌ها و... شرمنده زن و بچه و دوست و آشنا و بقال و غیره شده‌ایم». کارگران شهرداری کوت عبدالله در اعتراضی سازمان یافته می‌گویند: «الان دو ماه و نیم است که دستمزد نگرفته‌ایم، دست از کار کشیدیم و زباله‌های شهری را جمع نکردیم با این حال هنوز مطالباتمان پرداخت نشده است».

کارگران شهرداری کوت عبدالله؛ علیرغم اعتراضات بدیع و پر وسعت که با جمع نکردن آشغال‌های کوچه و محلات شهر و با خبررسانی بی واسطه انجام دادند، توانستند افکار عمومی شهر را متوجه‌ی گرسنگی خود و خانواده‌هایشان، ساخته و توضیح دادند چرا دست از کار کشیده‌اند. از دیگر سو مسئولین شهری تعویق طولانی دستمزد این کارگران را مشکلات شهرداری کوت عبدالله و به دلیل تعیین نشدن محدوده‌ی بین اهواز و کارون و تقسیمات بدون برنامه‌ریزی عنوان می‌کنند! به عبارتی کوت عبدالله شهر جدیدی است که در حاشیه‌ی شهر اهواز به عنوان مرکز شهرستان کارون انتخاب شده است، بنابراین شهرداری کوت عبدالله به نوعی بین دو شهرستان کارون و اهواز بلاتکلیف است و در نتیجه

تأمین منابع مالی حقوق کارگران نیز با مشکل روبرو است. این از آن نوع دروغگویی آشکار و بهانه‌تراشی بی پایه و مایه‌ی مسئولین است چرا که بر خلاف کارگران، پیمانکار شهرداری به‌درستی می‌داند که کارفرمای طرف قرارداد او کیست. سیاست قطره چکانی در پرداخت دستمزد کارگران گاهی با فاصله‌ی چند ماهه منظور می‌گردد تا شکم‌های گرسنه را در حدی راضی نگهدارند و ضرب اعتراض و اعتصاب کارگران را کاهش دهند و از سویی در بین صفوف کارگران چند دستگی ایجاد نمایند. در مقابل این خیمه شب بازی‌های مسئولین شهری، کارگران معترض شهرداری کوت عبدالله به مدت یک هفته از جمع آوری زباله‌ها از سطح شهر اجتناب کردند که به انباشت زباله در خیابان‌ها منجر شد. شهردار کوت عبدالله علیرغم وعده و وعده‌هایش نه موفق به شکستن اعتصاب کارگران شده است و نه تلاش‌هایش با همکاری فرمانداری شهرستان کارون منجر به حل مشکل جمع آوری زباله‌ها از سطح شهر شده است. کارگران حرف‌های سرراست و بی تعارفی می‌زنند و می‌گویند: «مقامات هیچکدام از وعده‌هایی که برای پرداخت معوقات داده‌اند، تاکنون محقق نشده. به اقوام و آشنایان و کسبه محل بدهکاریم؛ آیا خود مسئولان می‌توانند در این اوضاع گرانی و کرونا و کمبود تخت و دارو و کرایه خانه مستاجری، چند ماه بدون دستمزد سرکنند که از کارگران توقع صبر و تحمل دارند؟!»

کارگران شهرداری سوسنگرد: «علاوه بر عدم دریافت ۷ ماه از حقوق‌های معوقه، از ابتدای سال جاری مطالبات بیمه‌ای ما به تأمین اجتماعی پرداخت نشده و ما به همراه خانواده‌هایمان در زمینه دریافت خدمات درمانی از بیمارستان‌های ملکی تأمین اجتماعی دچار مشکل شده‌ایم.»

این کارگران که در بخش‌های خدمات و فضای سبز کار می‌کنند گفتند: «کاری‌کنیم اما از دستمزد خبری نیست! در شرایط اقتصادی فعلی، حتی اگر کارگر دستمزد هم بگیرد، نمی‌تواند نیازهای ضروری خانوار را تأمین کند چه برسد به ما که پرداخت دستمزدهایمان ماه‌ها به تعویق افتاده است.»

بخش دیگری از نگرانی آن‌ها گسترده شدن شیوع ویروس کرونا در شهر سوسنگرد است. آن‌ها در این باره گفتند: «در این روزهای پرخطر، مسئولان شهری نسبت به رعایت اصول محافظتی کارگران شهرداری در برابر کرونا کم‌توجه هستند. در روزهای گذشته برای تعیین تکلیف وضعیت مطالباتمان ناچار شدیم تجمع اعتراضی مقابل ساختمان فرمانداری شهرستان دشت آزادگان برگزار کنیم. در اردیبهشت ماه سال جاری نیز برای چندین روز در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق از جمع‌آوری زباله‌های شهر خودداری کردیم.»

اما کارگران شهرداری زنجان نیز در انتقاد به واگذاری مسئولیت‌شان به پیمانکاران بخش خصوصی تصریح کردند: «اخیراً شایعاتی مبنی بر ورود پیمانکاران به بخش خدمات و فضای سبز شهرداری زنجان قوت گرفته در نتیجه نگرانی که امنیت شغلی ما در معرض تهدید قرار بگیرد». کارگران معترض می‌گویند: «باتوجه به اینکه پیش از این تجربه کار برای پیمانکاران مختلف و بدحسابی‌های آنها را داشته‌ایم، از تکرار به خطر افتادن امنیت شغلی خود به شدت نگرانیم». کارگران شهرداری زنجان ضمن تهدید با بیان اینکه به هیچ وجه برای تبدیل وضعیت استخدامی خود با پیمانکار کنار نخواهیم آمد، افزودند: «می‌دانیم وقتی کسی حامی ما کارگران نیست مخالفت‌مان به جایی نمی‌رسد. در عین حال از مسئولینی در شهرستان گله‌مند هستیم که سکوت اختیار می‌کنند و هیچ واکنشی از خود نشان نمی‌دهند...»

جمع‌بندی:

امروز همچون دیروز در سطح شهرداری‌های کل کشور حدود ۸۰ درصد از قراردادهای خارج از استانداردها و در زد و بند آشکار با رشوه و دلالتی واگذار می‌شوند که باعث رانت می‌شود. روش انتخاب پیمانکار برای واگذاری پروژه‌ها با رانت و دلالتی همراه است و همین واسطه‌ها به‌عنوان کارچاق‌کن، عوامل کار را فراهم می‌سازند. مافیایی که تنها و تنها منفعت رانت خواری و ارتشاء را می‌فهد و جان و حیات و گذران کارگران برایشان هیچ‌است!

در بستر چنین بده و بستان ناسالمی، کارگران زیادی تحت تأثیر برون‌سپاری‌های بی‌قاعده هستند و مشکلات معیشتی فراوانی دارند. لایه لایه شدن کارگران شهری طی قراردادهای پیمانکاری و مواجهه با پیمانکاران متفاوت، هرچه بیشتر باعث تضییع حقوق کارگران شهرداری‌ها شده است. آیا زمان حذف و خلع ید پیمانکاران نرسیده است؟ امروز کمپین سازمان‌یافته‌ی علیه خصوصی‌سازی، خلع ید بخش خصوصی ناظر بر همین لغو شرکت‌های رانتخوار پیمانکاری، حلقه‌ی جدی رودرویی نیروی کار و سرمایه‌ی جامعه‌ی ما است و که در مبارزات کارگران شهرداری‌ها نیز برای آن باید طرح و نقشه‌ی راهنمایی روزانه سازمان داد. کارگران شهرداری‌ها در پهنه‌ای به وسعت تمام کشور با مشکلات یک‌سان و مطالباتی واحد مواجهند که می‌توانند با اتحاد و به هم پیوستگی با استفاده از ظرفیت‌های جدید شبکه‌سازی در اینترنت، به هم پیوسته و اعتراضات خود را وسعت بخشند و با افزایش دامنه‌ی آن تأثیر اعتراضات خود را نیز بیشتر از پیش سازند. طی فرصتی دیگر باز در این باب خواهم نوشت.

جمعه ۲۸ شهریور ۱۳۹۹ برابر ۱۸ سپتامبر ۲۰۲۰

[/http://karegari.com](http://karegari.com)